

تحلیل روابط ایران و ارمنستان با استفاده از چارچوب نظری

واقع‌گرایی تدافعی

بهرام امیراحمدیان*

عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

حبیب رضازاده

دانشجوی دکتری مطالعات ایران، دانشگاه تربیت مدرس

احمد جرفی

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده وزارت خارجه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۱/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۱/۲۰)

چکیده

فروپاشی اتحاد شوروی سبب ایجاد کشورهای جدیدی در شمال ایران شد. جمهوری آذربایجان و ارمنستان از جمله این کشورها هستند. شایان توجه است که با وجود مشابهت‌های بیشتری که بین ایران و جمهوری آذربایجان شیعه وجود دارد؛ رابطه ایران با ارمنستان مسیحی گسترده‌تر و بهتر است. پرسش اصلی این نوشتار، چرایی روابط برجسته و سطح بالاتر ایران و ارمنستان با وجود تفاوت‌های فرهنگی، دینی و زبانی در مقایسه با روابط ایران و جمهوری آذربایجان است؟ پاسخ این نوشتار به این پرسش این است: ایران و ارمنستان براساس اشتراک منافع خود و نگرانی مشترک از تهدید جمهوری آذربایجان برای ایجاد موازنه در برابر آن، روابط خود را گسترش داده‌اند که نتیجه آن ایجاد روابطی با سطح بالاتر بین دو کشور است که از تفاوت‌های بسیاری برخوردارند. نویسندگان برای فهم چرایی شکل‌گیری سطح بالای روابط بین ایران و ارمنستان از نظریه واقع‌گرایی تدافعی بهره برده‌اند. بنابر این نظریه، دو کشور ایران و ارمنستان به دلیل تهدید مشترکی که از سوی جمهوری آذربایجان تصور می‌کنند به نزدیکی با یکدیگر روی آورده‌اند تا از این راه در مقابل جمهوری آذربایجان توازن برقرار سازند.

کلیدواژه‌ها

ارمنستان، ایران، تهدید مشترک، جمهوری آذربایجان، واقع‌گرایی تدافعی.

مقدمه

از ابتدای تأسیس جمهوری آذربایجان و ارمنستان، روابط ایران و ارمنستان برخلاف روابط ایران و جمهوری آذربایجان و یا ارمنستان و جمهوری آذربایجان، روبه گسترش بوده است. ارمنستان و جمهوری آذربایجان تاکنون با یکدیگر اختلاف‌های بسیاری داشته‌اند^۱ که حتی زمانی نیز منجر به درگیری نظامی بین دو کشور و اشغال قره‌باغ به وسیله ارمنستان شده است. این تنش‌ها تا امروز نیز ادامه دارد. در اسفند ۱۳۹۳ نیروهای ارتش جمهوری آذربایجان با نیروهای ارمنی درگیر شدند که بر اثر آن دو نظامی ارمنی کشته شدند. همچنین در سال ۱۳۹۳ در نبرد میان دو طرف، دست‌کم سیزده نفر کشته و هجده نفر زخمی شدند (واحد مرکزی خبر، ۱۳۹۳). روابط میان ایران و جمهوری آذربایجان از همان آغاز استقلال آذربایجان که دولت ایلچی‌بیگ قدرت را در دست گرفت، متزلزل و گاهی تخصصی بود (Sadeghzadeh, 2008: 3, Vatanka, 2014).

پرسش این نوشتار این است که چرا روابط ایران و ارمنستان با وجود تفاوت‌های فرهنگی، دینی و زبانی در مقایسه با روابط ایران و جمهوری آذربایجان از برجستگی و سطح بالاتری برخوردار است؟ پاسخ این نوشتار به این پرسش این است: ایران و ارمنستان براساس اشتراک منافع خود و نگرانی مشترک از تهدید جمهوری آذربایجان برای ایجاد موازنه در برابر آن کشور، روابط خود را گسترش داده‌اند. باید توجه داشت که از ابتدای تأسیس جمهوری آذربایجان تاکنون، این کشور با ایران با وجود داشتن تشابه‌های بسیاری مانند هم‌مرز بودن، دین و مذهب مشترک و زبان واحد بین مردم جمهوری آذربایجان و بخشی از مردم ایران که بیشتر نیز در شمال غربی ایران ساکن هستند، به دلایلی چون مباحث قوم‌گرایانه و ایده آذربایجان واحد که از سوی دولت آذربایجان تبلیغ می‌شود، اختلاف در مورد تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و نزدیکی جمهوری آذربایجان با اسرائیل در رویارویی با روابط ایران با ارمنستان، روابطشان با یکدیگر پر تنش بوده است.

هم‌زمان با اختلاف‌های بین جمهوری آذربایجان و ایران، ارمنستان به دلیل محاصره از سوی ترکیه، جمهوری آذربایجان و حتی گرجستان، نگاه ویژه‌ای به رابطه با ایران دارد. البته شرایط نامناسب اقتصادی پس از استقلال نیز، نیاز ارمنستان به ایران را تشدید کرده است. این کشور به

۱. قبل از فروپاشی اتحاد شوروی نیز بین این دو جمهوری شوروی اختلاف‌هایی وجود داشت که البته در آن مقطع به دلیل استقلال‌نداشتن این دو جمهوری و سیاست‌های تمرکزگرایانه آن مقطع اتحاد شوروی، چندان شدید نشد.

حمایت سیاسی و اقتصادی ایران نیازمند است (کولای، ۱۳۸۹: ۸۲). رابطه با ارمنستان نیز برای ایران مزایای بسیاری همچون تحت فشار قراردادن جمهوری آذربایجان، ایجاد توازن در برابر رابطه جمهوری آذربایجان و اسرائیل دارد. به همین دلیل ایران و ارمنستان براساس منافع خود و احساس تهدید مشترک از جمهوری آذربایجان، گسترش روابط خود را مورد توجه قرار داده‌اند. در واقع هر دو کشور ایران و ارمنستان برای برقراری شکلی از توازن در مقابل جمهوری آذربایجان به یکدیگر نزدیک شده‌اند که روابط آنان را با استفاده از واقع‌گرایی تدافعی به خوبی می‌توان تبیین کرد. پیش از بیان چگونگی توسعه روابط ایران و ارمنستان، به چارچوب نظری مورد استفاده در این نوشتار اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم تا در پرتو اصول و مفروض‌های آن به تبیین چرایی توسعه روابط میان دو کشور پردازیم.

چارچوب نظری

واقع‌گرایی نوکلاسیک عنوانی است که «گیدئون رز» به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل داده است که در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن در توضیح روابط بین‌الملل از بسیاری از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده کرده است (Kitchen, 2010: 117). نوکلاسیک‌ها برخلاف نوواقع‌گرایان، تنها به عوامل سطح ساختار نظام توجه نمی‌کنند؛ بلکه از نظر آن‌ها برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز اهمیت دارد. آن‌ها بر لزوم توجه به سطوح مختلف تحلیل تأکید دارند. نوکلاسیک‌ها را می‌توان براساس تقسیم‌بندی جک اسنایدر در دو مقوله تهاجمی و تدافعی گنجانند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹). طرفداران واقع‌گرایی تهاجمی^۱ بر این باورند که هرج و مرج، دولت‌ها را وادار می‌کند تا قدرت نسبی خود را بیشینه سازند؛ زیرا امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هیچ‌گاه قطعی نیست. واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچ‌گاه به میزان آرام‌بخشی تنزل نمی‌کند و تنها قدرت است که می‌تواند از خطر احتمال روی‌دادن جنگ جلوگیری کند و در صورت رخداد آن، مانع شکست شود (Mearshimer, 2001: 12-16).

واقع‌گرایان تدافعی به رابطه میان هرج و مرج و الزامات نظام بین‌الملل از یک‌سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند. فرض آن‌ها بر این است که هرج و مرج بین‌المللی معمولاً

قابل چاره است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است. در نتیجه، دولت‌هایی که آن را در می‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت. آن‌ها تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه‌شان وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. این واکنش نیز بیشتر در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۳). «جک اسنایدر»^۱ و «استفان والت»^۲ از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تدافعی هستند. تأکید والت بر اهمیت «موازنه تهدید»^۳ به جای موازنه قدرت است. در واقع از نظر او تنها صرف قدرت مهم نیست؛ بلکه سایر عوامل هم مهم هستند. در واقع از نظر والت، برداشت‌های دولت‌ها از یکدیگر مهم است. هرچه دولتی تجاوزکارتر باشد، احتمال اینکه دولت‌های دیگر علیه آن موازنه‌سازی را در پیش گیرند، بیشتر است. دولت‌ها در برابر هر قدرتی موازنه ایجاد نمی‌کنند، بلکه موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آن‌ها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده باشد. بر این اساس از دیدگاه والت، صرف عنصر قدرت سبب ایجاد رفتار توازن‌گرا نمی‌شود و موازنه تهدید مفهومی جامع‌تر و با قدرت تبیین‌کنندگی بالاتر، برآورد می‌شود.

در واقع‌گرایی تدافعی والت، موازنه دولت‌ها در برابر قدرت‌های تهدیدگر، قاعده اصلی رفتار آن‌ها در سیاست خارجی است. افزون بر عنصر قدرت، همراه شدن مؤلفه‌های دیگری مانند همسایگی، قابلیت‌های تهاجمی و نیت در موازنه، نقشی اساسی دارند. این عوامل متغیرهای مستقلى هستند که تغییر در هر یک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و به‌کارگرفتن اقدام‌های موازنه‌ای می‌کشاند (Walt, 1985: 5-13). از نظر او، دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که بیشترین تهدید را ایجاد می‌کنند، متحد می‌شوند. در این حالت دولت یا دولت‌های تهدیدکننده به ضرورت در شمار قوی‌ترین دولت‌ها نیستند. منظور او از تهدید فقط به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه برداشتی که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند، مورد نظر او است. در نظریه موازنه تهدید، توزیع تهدیدها شامل توانایی‌ها، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت‌ها و هدف‌ها در شکل‌گیری اتحاد اهمیت دارد (Walt, 1988: 281). بنابراین، نظریه موازنه تهدید بر توزیع تهدید در یک نظام بین‌المللی (جهانی یا منطقه‌ای) تأکید دارد. براساس این نظریه، دولت‌هایی که با یک تهدید یا تهدیدهای مشترک روبه‌رو هستند، با یکدیگر

1. Jack Snyder
2. Stephen M. Walt
3. Balance of Threat

در مقابل آن متحد می‌شوند، پس در مطالعه اتحادها باید به دنبال یک دشمن مشترک گشت (Walt, 1987: 149).

در اینجا به عواملی که موجب پدیدآمدن ادراک تهدید مشترک ایران و ارمنستان از جمهوری آذربایجان شده است می‌پردازیم تا در نتیجه آگاهی از این عوامل به نزدیکی دو کشور ایران و ارمنستان به یکدیگر براساس چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی پی‌ببریم.

دلایل اختلاف ایران و جمهوری آذربایجان

الف) قوم‌گرایی و آذری‌گرایی جمهوری آذربایجان

یکی از دلایل نزدیکی ایران با ارمنستان مقابله با تبلیغات و فعالیت‌های قوم‌گرایانه جمهوری آذربایجان است. ایران از رویکردهای الحاق‌گرایانه قومی جمهوری آذربایجان هراس دارد و با توجه به وجود ترک‌ها در شمال ایران در پی چاره برای این مسئله به ارمنستان به‌عنوان راه مقابله با جمهوری آذربایجان نگاه می‌کند (Rosenkvist, 2005: 28). در جمهوری آذربایجان اندیشه سیاسی دولت بر زبان، ادبیات، موسیقی آذری و تاریخی استوار است که ایران را موجب جدایی آذری‌های دو سوی ارس از یکدیگر معرفی می‌کند (امیراحمدیان، ۱۳۹۱). بنابر این باور، ساکنان کنونی مناطق آذربایجان ایران، همچون ساکنان قدیمی آن ترک هستند و هرگز حاکمیت دیگران را قبول نکرده‌اند (Nassibli, 2012: 3-5). آذربایجان جنوبی [مناطق آذری‌نشین ایران] شامل استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی، زنجان، همدان و بخش‌هایی از آستارا و قزوین است (Gunaskam, 2012) که باید به جمهوری آذربایجان پیوسته و یک آذربایجان واحد تشکیل دهند (Belfercenter, 2012).

حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور پیشین آذربایجان در سال ۱۹۸۱ در برابر گروهی از دیپلمات‌های خارجی ضمن اظهار دلسوزی برای آذربایجان ایران، از آرزومندی مردم آذربایجان شوروی برای وحدت دو آذربایجان سخن می‌گوید. همچنین در زمستان ۱۹۸۹ دسته‌هایی از مردم هیجان‌زده نخب جوان به سوی مرز ایران در کرانه ارس حرکت کردند و علائم و پست‌های مرزی را از بین بردند تا به قول خود دیوار آذربایجان را همچون دیوار برلین میان ملت خود برچینند و با آذربایجان آن سوی مرز یکی شوند (Keyhan international, 1999). تظاهرکنندگان شعار یکی شدن دو آذربایجان به مرکزیت تبریز و شعار «تبریز-تبریز» سر می‌دادند (Nassibli, 2012: 9).

از شعارهای دیگر آنان این بود: «ما خواهان آذربایجان واحد هستیم، ما کار کردیم روس خورد، شما کار کردید فارس خورد» (Malekafzali and G. Moser, 1992: 37). ایلچی بیگ رئیس‌جمهور آذربایجان با افتخار می‌گفت که در تظاهرات کنار رود ارس و گشودن مرز جبهه خلق آذربایجان نقش فعالی داشته است. همچنین او در تلویزیون دولتی این کشور گفته بود که «هر شب خواب تبریز را می‌بینم و آرزو دارم حتی با زانو هم شده روزی به تبریز برسم. ما پس از استقلال جمهوری آذربایجان به دنبال اتحاد با آذربایجان ایران هستیم» (تقوی اصل، ۱۳۸۴: ۱۶۸). این تفکر در دوره بعد از استقلال سال ۱۹۹۱ و در زمان ایلچی بیگ شدت یافت. در این زمینه، گسترش فعالیت اتحادیه آذربایجان واحد را می‌توان نام برد. هدف اصلی این اتحادیه «ابلاغ حقایق مربوط به حقوق ملی و انسانی ۳۴ میلیون آذربایجانی ساکن در ایران به مجامع جهانی و آزادی آن‌ها است» (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۴۱۷). از زمان روی کار آمدن ایلچی بیگ در جمهوری آذربایجان، ایران از افزایش هویت ملی مردم مناطق آذربایجان ایران نگران است. مقام‌های ایران نگران ملی‌گرایی آذربایجانی‌های ساکن در مناطق شمال غربی ایران هستند (Nuriyev, 2012). تهران متوجه است که ملی‌گرایی آذری ظرفیت تهدید تمامیت ارضی ایران را با میلیون‌ها آذری ساکن در ایران را دارد (Cornell, 2006: 42).

در سال ۲۰۰۳ در باکو نقشه‌ای از آذربایجان بزرگ از سوی حزب ینی آذربایجان (آذربایجان نوین) که در آن بخش‌هایی از شمال ایران جزئی از قلمروی ارضی آذربایجان ترسیم شده بود، چاپ شد که در ادامه سیاست‌های رویارویی باکو با ایران بود (کولایی، ۱۳۸۹: ۹۱). در اقدامی دیگر الهام علی‌اف با شبکه «گوی آذر تی وی» گفته است: از اقدامات بنده در زمان ریاست جمهوری تشکیل دولت واحد آذربایجان با همکاری کشورهای ترک‌زبان از جمله کشورهای همسایه است (Gilles, 2008: 45-48). در واقع جمهوری آذربایجان از راه تمرکز یافتن بر اتحاد آنچه که تبلیغات رسمی آذربایجان، «آذربایجان شمالی و جنوبی» می‌خواند؛ تلاش می‌کند تا با تحریک آذری‌های ایران از آن‌ها به‌عنوان اهرم فشاری علیه ایران استفاده کند (بهشتی پور، ۱۳۹۱). به‌شکل کلی جمهوری آذربایجان با سیاست‌های تهاجمی در راستای منافع ایران قرار ندارد؛ به همین دلیل برخی از مقام‌های ایرانی از پیروزی جمهوری آذربایجان در بحران قره‌باغ نگران هستند و از تأثیر آن بر آذری‌های ایران واهمه دارند (Migdalovitz, 2003: 11). این رفتار ایران برخلاف پیوندهای دینی- مذهبی با جمهوری

آذربایجان برآورد شده است (Valiyev, 2009). امروزه بیشترین ترس ایران از ایده «تورک‌چیلیق» (ترک‌گرایی) است که از شمال رود ارس می‌آید، به‌شکلی که ۴۰-۲۰ درصد مردم ایران نگران بی‌ثباتی نسبی در قسمت‌های آذری‌نشین ایران هستند. به‌همین دلیل یکی از دلایل نزدیکی ایران و ارمنستان هراس از ترک‌گرایی در منطقه است. همچنین ایران از قدرت‌یابی جمهوری آذربایجان نگران است؛ زیرا نتیجه آن فعالیت بیشتر آن برای تشکیل آذربایجان واحد است (Gresh, 2006: 10). در واقع، نگرانی ایران به نگاه‌های قومیتی و تبلیغات رسانه‌ای برخی جریان‌های سیاسی جمهوری آذربایجان باز می‌گردد (سقائیان، ۱۳۹۳).

توفیق ذوالفقاراف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان (۱۹۹۸) در یک مصاحبه مطبوعاتی گفته بود که او نه تنها وزیر خارجه جمهوری آذربایجان بلکه وزیر خارجه تمام آذری‌های جهان است. این موضوع موجب اعتراض شدید سفارت ایران در باکو شد. در جمهوری آذربایجان تشکیلات متعددی در زمینه جدایی آذربایجان ایران و پیوستن به جمهوری آذربایجان و تشکیل آذربایجان واحد فعالیت دارند که از سوی دولت آذربایجان حمایت می‌شوند. با وجود اعتراض‌های ایران آن‌ها اعلام می‌کنند که این تشکیلات خصوصی است و براساس قوانین جمهوری آذربایجان فعالیت آن‌ها آزاد است. برگزاری نشست‌های گروه‌های فعال در زمینه جدایی آذربایجان در جمهوری آذربایجان، نشر مقاله‌های ضدایرانی در مطبوعات باکو، برپایی و ساماندهی تظاهرات ضد ایران در باکو و مانند آن، نشان از دشمنی برنامه‌ریزی‌شده دولت آذربایجان علیه ایران است. شبکه ماهواره‌ای «گون‌آذتی‌وی» در زمینه نشر اندیشه‌های ترک‌گرایان فعالیت دارد و از سوی دولت آذربایجان حمایت می‌شود. عناصر قوم‌گرا و تجزیه‌طلب به دعوت گروهک جبهه آزادی ملی آذربایجان، شنبه ۳۰ مارس ۲۰۱۳ با برگزاری نشستی در باکو ضمن طرح ادعاهای تجزیه‌طلبانه و با هدف نقض تمامیت ارضی ایران سخنرانی کردند و نشریات ضد ایرانی پخش کردند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲).

ب) روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل

علت دیگری که موجب هراس ایران از سوی جمهوری آذربایجان شده است، رابطه این کشور با اسرائیل است که روزبه‌روز نیز گستره‌تر می‌شود. به‌شکلی که جمهوری آذربایجان به مکانی برای عملیات رژیم اسرائیل علیه ایران تبدیل شده است (Vatanka, 2014). امروزه اسرائیل و

جمهوری آذربایجان در تمام زمینه‌های امنیتی - سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روابط بسیار خوبی دارند. به شکلی که «آریه گات»^۱، دبیر اجرایی کنگره آذربایجانی‌های اسرائیل می‌گوید: «هیچ کشوری در اوراسیا و قفقاز، روابطی نزدیک‌تر و گرم‌تر از [جمهوری] آذربایجان با اسرائیل ندارد» (Azembassy, 2012). به دنبال روابط دوستانه بین اسرائیل و جمهوری آذربایجان، «لوول بزانیس»^۲ معتقد است که علاقه جمهوری آذربایجان به اسرائیل یا برعکس، از ترس متقابل آن‌ها از ایران ریشه می‌گیرد (USAK, 2013). روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بسیار نزدیک است به حدی که برخی از آگاهان معتقدند که ممکن است اسرائیل برای جاسوسی در نزدیکی مرز ایران و دریای خزر در خاک جمهوری آذربایجان تجهیزات الکترونیکی نصب کرده باشد (CRIA, 2009). اسرائیل پایگاه‌های متعددی در جمهوری آذربایجان در اختیار دارد. برخی از این پایگاه‌ها در نزدیکی مرزهای ایران است. برای نمونه در پایگاه سینتالکای که در پنجاه کیلومتری شمال باکو واقع شده است - به تازگی جزئیات آن از سوی مجله سیاست خارجی افشا شده - اسرائیل در حال نصب سیستم‌های راداری رهگیری موشک‌های بالستیک و هواپیماهای بدون سرنشین است (احمدی، ۱۳۹۱).

پس از وضع تحریم‌های گسترده علیه ایران و افزایش احتمال حمله اسرائیل به ایران، تل‌آویو برای به دست آوردن پایگاه‌هایی در مرزهای شمالی ایران در خاک جمهوری آذربایجان تلاش می‌کند (Frenkel, 2012). آویگدور لیبرمن، وزیر امور خارجه اسرائیل در ۲۳ آوریل ۲۰۱۲ به مناسبت بیستمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری آذربایجان به این کشور سفر کرد. براساس گزارش رویتز، لیبرمن در این دیدار گفته است: «روابط با [جمهوری] آذربایجان از این بهتر نمی‌تواند باشد. این روابط بر پایه اعتماد و سودمند است» (Sosinsky-Semikhat, 2012). مجله فارین پالیسی در ۲۸ مارس ۲۰۱۲ در گزارشی نوشت که اسرائیل اجازه دسترسی به پایگاه‌های هوایی جمهوری آذربایجان را پیدا کرده است (Foreign Policy, 2012).

همچنین اسناد محرمانه ویکی‌لیکس نیز که در آوریل ۲۰۱۱ منتشر شد، آشکار می‌سازد که در چهار سال گذشته، اسرائیل از خاک این کشور علیه ایران جاسوسی کرده است (PRESS TV, 2012). در دیدار المار محمداف، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان از اسرائیل و گفت‌وگو با مقام‌های اسرائیلی در آوریل ۲۰۱۳، مقامات هر دو کشور از تهدید ایران ابراز نگرانی کردند و برنامه هسته‌ای

1. Arye Gut
2. Lowd Bezanis

ایران را تهدیدی برای هر دو کشور اعلام کردند (Segall, 2013: 21). حجم معاملات نظامی بین دو کشور در سال ۲۰۱۲ به رقم ۱/۶ میلیارد دلار رسیده است (Today's Zaman, 2012). مقام‌های ایرانی بارها از روابط دوستانه جمهوری آذربایجان با اسرائیل ابراز نگرانی کرده‌اند و دولت جمهوری آذربایجان را به همکاری با جاسوسان و تروریست‌های اسرائیل متهم کرده‌اند (Vira and Erin, 2012; Fitzgerald and Brandon Fite, 2012: 23, Sosinsky-Semikhat, 2012). متوجه تهدید روابط دفاعی و امنیتی اسرائیل با جمهوری آذربایجان هستند (Kouzegar Kaleji, 2012). در واقع ائتلاف و گرایش جمهوری آذربایجان با اسرائیل سبب نزدیکی ایران به ارمنستان شده است (جوادی ارجمند و دولتپاری، ۱۳۹۱: ۲۰۲).

ج) اختلاف درباره رژیم حقوقی دریای خزر

یکی دیگر از دلایل احساس خطر ایران از سوی جمهوری آذربایجان اختلاف دو کشور درباره تعیین رژیم حقوقی دریای خزر است که تاکنون به چند مورد درگیری جزئی نیز بین دو کشور انجامیده است. اختلاف ایران و جمهوری آذربایجان به دنبال ادعای جمهوری آذربایجان در مورد مرز دریایی دو کشور در دریای خزر است (Bayulgen, 2009: 54). جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد شوروی اولین کشوری بود که در سال ۱۹۹۲ موضوع تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر (تقسیم دریا به بخش‌های ملی) را مطرح ساخت (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۸۴) و با تعیین بخشی از آب‌های دریا در کرانه‌های خود به عنوان آب‌های ملی و بستن پیمان‌هایی با شرکت‌های خارجی برای اکتشاف نفت در این بخش در عمل در راستای تقسیم دریا گام برداشت و پیمان‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را زیر پا گذاشت. جمهوری آذربایجان با این استدلال که نمی‌تواند توسعه کشورش را به تعیین رژیم حقوقی خزر مشروط کند و اصل مالکیت مشترک نیز با شرایط کنونی دریای خزر مطابقت ندارد، در سال ۱۹۹۴ با بستن قرارداد نفتی با شرکت‌های غربی شروع به بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع نفت دریای خزر کرد که با مخالفت روسیه، ایران و ترکمنستان همراه شد. در مقابل اقدامات یک‌جانبه جمهوری آذربایجان، وزارت نفت ایران اعلام کرد که هرگونه طرح تصویب‌نشده‌ای را که از سوی شرکت‌های خارجی در بخش آب‌های ایران انجام گیرد، باطل می‌داند. ایران خواستار تقسیم دریا به قسمت مساوی بیست درصد برای یکایک اعضا است (Koolae and Hafezian,

401: 2010؛ اما جمهوری آذربایجان سهم ایران را با توجه به سواحل ایران در حدود ۱۳ درصد می‌داند (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۸۵).

د) اختلاف مذهبی بین دو کشور و تأکید بر عوامل متفاوت در انسجام ملی بین دو دولت

رهبران ایران در روابطشان با جمهوری آذربایجان به صورت آشکاری بر اسلام و مذهب تأکید دارند. به نظر برخی از تحلیلگران بعد از استقلال جمهوری آذربایجان، ایران تلاش کرده است تا انقلاب اسلامی خود را به این کشور صادر کند (Murinson, 2010). تاکنون برای این هدف خود در جمهوری آذربایجان میلیون‌ها دلار هزینه کرده است (Belfercenter, 2012). ایران برای تبلیغات مذهبی در جمهوری آذربایجان از روحانی‌هایی که در ایران آموزش دیده‌اند بهره می‌گیرد (Cornell, 2006: 42-43). جمهوری آذربایجان که خود را یک نظام غیردینی می‌داند؛ تبلیغات و فعالیت‌های ایران بر روی شیعیان آذربایجان را تهدیدی برای حاکمیت خود می‌داند و هرچند وقت یک‌بار نارضایتی خود را نشان می‌دهد (بهشتی‌پور، ۱۳۹۱). برنامه‌های تلویزیونی ایران که در جمهوری آذربایجان نیز قابل دریافت است، سرشار از ارزش‌های دینی-ایرانی هستند (Nassibli, 2012: 17). دولت ایران افزون بر شبکه تلویزیونی سحر، شبکه سحر دو را نیز راه‌اندازی کرده است که به زبان انگلیسی و روسی در جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کند. مخالفان فعالیت این شبکه می‌گویند که به تازگی این شبکه فقط برنامه‌های روحانیون [مذهبی] را پخش می‌کند. در این شبکه پوشش حجاب برای زنان تبلیغ می‌شود (Kotecha, 2006: 26-29).

از موارد دیگری که منجر به تنش بین دو کشور شده است، متهم کردن ایران به حمایت از گروه‌های اسلامی تندرو در جمهوری آذربایجان است. البته گروه‌های اسلامی افراطی از سوی کشورهای عربستان، کویت، ایران و منابعی از قفقاز شمالی حمایت می‌شوند (Goble, 2012). جمهوری آذربایجان معتقد است که دولت ایران از حزب اسلامی آذربایجان که در سال ۱۹۹۶ غیرقانونی اعلام شد (Yunus, 2006: 1) و از حلقه‌های مخفی حزب‌الله و جیش‌الله آذربایجان حمایت می‌کند (Murinson, 2010). مقامات باکو بیان می‌کنند که فعالیت این حزب از سال ۱۹۹۶ ممنوع است؛ ولی اعضای آن همچنان به دریافت کمک‌های مالی از جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند (Soleymani, 2011). در اواخر دهه ۱۹۹۰ حیدر علی‌اف، فعالیت روحانیون ایرانی را در مساجد ممنوع کرد (Cornell, 2006: 43). همچنین در سال ۲۰۰۱ دولت آذربایجان ۲۲ مدرسه

دینی را که به وسیله ایران حمایت می‌شدند تعطیل کرد (Europe Report, 2012: 8). الهام علی‌اف در سخنرانی‌ای گفت: «ما به رهبران دینی ایران می‌گوییم که تلاش برای نفوذ مذهبی در آذربایجان را رها کنند» (Goble, 2012: 114). روابط ایران و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۲ به دلیل برگزاری مسابقه یوروویژن به شدت تنش‌آمیز بود. اختلاف و درگیری‌های لفظی بین ایران و جمهوری آذربایجان بر سر مسابقه موسیقی یوروویژن ۲۰۱۲ که در باکو برگزار شد به حدی بالا گرفت که مقام‌های روحانی و سیاسی ایران برگزاری این مسابقه را مخالف اسلام دانستند (آذربایجان نیوز، ۱۳۹۱). در پی این مشاجره‌های لفظی، نخست وزیر آذربایجان نیز در اعتراض به سخنان مقام‌های ایرانی گفت: «رژیم ملاها در ایران قصد شکل‌دهی و دخالت در سیاست‌های ما را دارد» (Mohammadi, 2012).

شایان توجه اینکه کشور جمهوری آذربایجان بر خلاف اکثریت مسلمان و شیعه‌بودن دولت، نظام سیاسی غیردینی دارد. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی این کشور براساس مبانی ملی‌گرایی و تأکید بر زبان و قومیت ترک بنا شده است که کاملاً در نقطه مقابل تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران است که براساس مبانی دینی و مذهبی بنا شده است. این دو کشور بر مواردی تأکید دارند که در کشور مقابل شاید عاملی برای اختلاف و ایجاد تنش‌های داخلی باشد. هر زمان که جمهوری آذربایجان بر قومیت و زبان ترک تأکید دارد، حتی زمانی که برای مقابله با ارمنستان باید برای تهییج و متحدساختن مردم خود به این موارد تکیه کند، سبب رنجش ایران می‌شود. البته باید توجه داشت که تا وقتی که خطاب این سخنان و تبلیغات، مردم خود جمهوری آذربایجان هستند، ایران نیز آنچنان نگرانی نسبت به آن ندارد. اما به تجربه تاریخی ثابت شده است که این نوع تبلیغات و تأکیدها هرگز محدود به مرزهای جمهوری آذربایجان نبوده است و بخش‌های آذری‌نشین ایران را نیز در بر می‌گیرد. همین مسئله سبب نگرانی و واکنش ایران می‌شود؛ زیرا کشور ایران اقلیت بزرگی از مردم آذری دارد که اگر تحت تأثیر این تبلیغات جمهوری آذربایجان قرار گیرند برای امنیت ملی و حتی تمامیت ارضی ایران خطرآفرین خواهد بود. در نقطه مقابل دولت آذربایجان که بر مسائل قومی و زبانی تأکید دارد، دولت جمهوری اسلامی ایران بر مسائل دینی و مذهبی تأکید دارد. با توجه به مبانی تشکیل دولت آذربایجان، این نوع رفتار ایران از دید دولت‌مردان آن کشور، دخالت در امور داخلی

جمهوری آذربایجان است. آن‌ها ایران را به تلاش برای تحریک مردم برای مقابله با دولت متهم می‌کنند و این مسائل به تنش بین دو کشور می‌انجامد.

احساس تهدید ارمنستان از سوی جمهوری آذربایجان

ارمنستان و جمهوری آذربایجان از ابتدای تأسیس (و حتی در دوران اتحاد شوروی) بر سر منطقه قره‌باغ با یکدیگر اختلاف داشتند و این اختلاف زمانی نیز به جنگی خونین بین آن‌ها تبدیل شد. بحران قره‌باغ زمانی آغاز شد که پارلمان قره‌باغ در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۸ به جدایی کامل قره‌باغ از جمهوری آذربایجان و پیوستن به ارمنستان رأی داد. این حرکت با رد صریح پارلمان آذربایجان روبه‌رو شد که چنین تصمیمی را بی‌اساس و مردود می‌دانست. در پی این موضع‌گیری جمهوری آذربایجان، پارلمان ارمنستان در رأی‌گیری ۱۵ ژوئن، قره‌باغ را جزئی از جمهوری ارمنستان اعلام کرد (New York Times, 1988). پس از صدور اعلامیه پیوستن قره‌باغ به ارمنستان، پارلمان آذربایجان نیز ضمن تصویب الغای خودمختاری استان قره‌باغ، اداره آن را به دولت مرکزی جمهوری آذربایجان واگذار کرد و نام شهر «اسپتاناکرات» مرکز قره‌باغ را به نام قبلی آن «خان‌کندی» تغییر داد. جنگ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، اختلافی در تمامیت ارضی، هویتی و نژادی است. براساس آمار رسمی منتشر شده، در این درگیری‌ها ۵۰۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند (از دو طرف) و یک میلیون آذری و حدود ۲۵۰۰۰۰ ارمنی بی‌خانمان و آواره شدند (Mikheilidze, 2010: 1). هر چند درگیری‌ها در سال ۱۹۹۴ به دنبال توافقی که در مسکو صورت گرفت، متوقف شد؛ ولی تلاش دو دولت و مجامع بین‌المللی و نهادهای منطقه‌ای در زمینه یافتن راه‌حل سیاسی برای پایان‌دادن به این بحران تاکنون بی‌نتیجه مانده است. از این‌رو در شرایط کنونی وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بین دو کشور حاکم است. دو کشور با یکدیگر روابط دیپلماتیک ندارند و مرزهایشان به جبهه جنگ تبدیل شده است (باقری، ۱۳۸۹: ۹-۶). از رویدادهایی که امکان دارد در روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان روی دهد، جنگ همه‌جانبه بر سر قره‌باغ است (Sandstrom, 2005: 53). مهم‌ترین تهدیدهای نظامی علیه ارمنستان، مناقشه قره‌باغ و محاصره بین کشورهای ترک جمهوری آذربایجان و ترکیه است (Galstyan, 2013: 2).

بعد از آتش‌بس بین دو کشور در سال ۱۹۹۴، جمهوری آذربایجان به دلیل بهره‌برداری از منابع انرژی خود و توسعه صادرات آن، از نظر اقتصادی توسعه یافت. در سال ۱۹۹۴ جمهوری آذربایجان قرارداد نفتی معروف به «قرارداد قرن» را با ۳۳ شرکت نفتی از ۱۵ کشور جهان امضا کرد. تا سال ۲۰۰۰ نزدیک به ۳/۲ میلیارد دلار در بخش نفت جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری شد که این مقدار تا سال ۲۰۰۳ به ۵ میلیارد دلار رسید. جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۵ نزدیک به ۳۰ میلیون تن نفت در سال تولید می‌کرد و این در حالی بود که تا سال ۱۹۹۷ تولید این کشور ۹ میلیون تن در سال بود و تا سال ۲۰۱۰ این رقم به ۷۰ میلیون تن رسید (Gresh, 2006: 6-8). رشد اقتصادی جمهوری آذربایجان منجر به قدرت‌یابی این کشور در عرصه‌های نظامی و بین‌المللی نیز شده است. جمهوری آذربایجان که با همسایه خود ارمنستان بر سر قره‌باغ درگیر است به خرید جنگ‌افزار از اسرائیل مشتاق است. حجم معاملات نظامی بین دو کشور در سال ۲۰۱۲ به رقم ۱/۶ میلیارد دلار رسیده است (Today's Zaman, 2012). همکاری بین جمهوری آذربایجان و اسرائیل تهدید بزرگی علیه ایران و ارمنستان است. در واقع روابط گرم جمهوری آذربایجان و اسرائیل که به صورت مداوم در حال گسترش و نزدیکی با ترکیه و آمریکا نیز است بر روند مناقشه قره‌باغ تأثیر گذاشته و حمایت لابی یهود در آمریکا را به نفع جمهوری آذربایجان جلب کرده است که بر سیاست خارجی آمریکا تأثیر می‌گذارد (Cornell, 2000: 393-394).

روابط ایران و ارمنستان در پرتو نظریه واقع‌گرایی تدافعی

با توجه به مواردی که موجب پیدایی احساس تهدید مشترک ایران و ارمنستان از ناحیه جمهوری آذربایجان شده است، این دو کشور به گسترش روابط با یکدیگر اقدام کرده‌اند؛ به‌شکلی که ارمنستان به دلیل تهدیدات امنیتی که در منطقه قفقاز متوجه این کشور است، در رابطه و نزدیکی با ایران تلاش می‌کند (Galstyan, 2013: 2). ایران نیز تلاش می‌کند که با نفوذ خود در منطقه و برای ایجاد موازنه در برابر روابط جمهوری آذربایجان، رابطه خود با ارمنستان را تقویت کند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۸۷). علت این مسئله براساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی، احساس تهدید مشترک دو کشور از سوی جمهوری آذربایجان و روابط این کشور با سایر کشورها (اسرائیل و ترکیه) است که در برقراری نوعی موازنه در برابر این کشور تلاش می‌کنند. اکنون روابط دو کشور ایران و ارمنستان را بررسی می‌کنیم.

ایران نقش اقتصادی تعیین‌کننده‌ای برای ارمنستان دارد (Varun and Fitzgerald and Fite, 2012: 25). در اوایل سال ۱۹۹۲ ایران گاز و سوخت با ارمنستان صادر می‌کرد و همین موضوع سبب ایستادگی ارمنستان در مقابل جمهوری آذربایجان می‌شد (Cagaptay and Murinson, 2005). به دنبال مسافرت‌های مقام‌های ایران و ارمنستان، در سفر رئیس جمهوری ارمنستان به ایران با افتتاح پل موقت بر روی رود ارس در سال ۱۹۹۵ ارتباط زمینی ایران با ارمنستان برقرار شد (کولایی، ۱۳۸۹: ۸۶). در سال ۱۹۹۸ ایران سومین شریک تجاری ارمنستان شد. در سال ۲۰۰۱ حجم تجارت بین ایران و ارمنستان به ۱۲۰ میلیون دلار رسید (Gresh, 2006: 8). در همین سال ایران توافق‌نامه‌ای برای ساخت خط لوله نفت و گاز با ارمنستان امضا کرد. در سال ۲۰۰۷ ایران و ارمنستان یک قرارداد مبنی بر ساخت یک خط لوله انتقال نفت به شهر مرزی «مگری»^۱ ارمنستان امضا کردند (Tehran Times, 2009). آن‌ها همچنین قراردادی در مورد ساخت خط آهنی به طول ۴۷۰ کیلومتر که دو کشور را به دریای سیاه متصل می‌کند به ارزش ۲ میلیارد دلار امضا کردند که در طول پنج سال آماده می‌شود (Press TV, 2009).

در ادامه گسترش روابط بین ایران و ارمنستان در ۱۹ مارس ۲۰۰۷ احمدی نژاد (رئیس‌جمهور ایران) به دعوت روبرت کوچاریان (رئیس‌جمهوری ارمنستان) برای افتتاح خط لوله انتقال گاز ایران به ارمنستان شرکت کرد. حجم تجارت ایران و ارمنستان در سال ۲۰۱۰ در حدود ۲۵۰ میلیون دلار بوده است که شامل مواد غذایی، سوخت و مواد شیمیایی است (Varun and Fitzgerald and Fite, 2012: 23-26). در اواخر مه ۲۰۱۱ مقام‌های ایران و ارمنستان قرارداد همکاری در بخش انرژی با یکدیگر امضا کردند. این دو کشور توافق کردند که برای تولید ۵۰۰ الی ۸۰۰ مگاوات نیروی الکتریسیته با یکدیگر همکاری کنند (UPI, 2011). در فوریه ۲۰۱۱ مقام‌های ایرانی اعلام کردند که بعد از سال ۲۰۱۴ بعد از تکمیل حدود ۳۵۴ کیلومتر خط لوله تبریز به ارمنستان روزانه ۴۰۰۰۰۰۰ گالن گاز وئیل به ارمنستان صادر خواهند کرد (Iranenergyproject, 2012). راحم حاجی‌اف با اشاره به حمایت آشکار اقتصادی و سیاسی ایران از ارمنستان گفته است که ایران بر خلاف موضع جمهوری آذربایجان، روابط تنگاتنگ با ارمنستان برقرار می‌کند و این عامل سبب تقویت موضع ایروان می‌شود. وی گفت:

1. Meghri

اگر ایران مرزهای خود با ارمنستان را مانند ترکیه بسته بود، در این صورت، این کشور در وضع بسیار سنگینی قرار می‌گرفت (Davtyan, 16 February 2015)

در ادامه گسترش روابط بین دو کشور در دیدار حسن روحانی (رئیس‌جمهور ایران) با آرمن موسسیان (وزیر انرژی و منابع طبیعی ارمنستان) در ۷ دسامبر ۲۰۱۳، رئیس‌جمهور ایران خواستار گسترش بیش از پیش روابط دو کشور در همه زمینه‌ها شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت ایران، روحانی در این دیدار ضمن تشکر از حضور رئیس‌جمهور ارمنستان در مراسم تحلیف ریاست جمهوری، روابط ایران و ارمنستان را خوب و صمیمانه توصیف کرد. او با اشاره به طرح‌های اقتصادی میان دو کشور اظهار امیدواری کرد با توجه به اراده رئیس‌جمهور ارمنستان مبنی بر گسترش روابط با ایران این طرح‌ها زودتر به نتیجه برسد. آرمن موسسیان نیز در این دیدار با اشاره به روابط خوب و روبه گسترش ایران و ارمنستان گفت: رئیس‌جمهور، دولت و ملت ارمنستان به روابط با ایران بسیار علاقه‌مندند. وی با بیان اینکه هیچ مشکلی در روابط سیاسی بین دو کشور وجود ندارد، گفت: ارمنستان تلاش می‌کند تا روابط خود با ایران را بیش از گذشته توسعه دهد و ما از ایران می‌خواهیم که زمینه‌های بیشتر همکاری‌ها میان دو کشور را فراهم کند (دولت، ۱۳۹۲).

نتیجه

جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان کشورهایی هستند که با وجود تفاوت‌های دینی و زبانی با یکدیگر در همه زمینه‌ها روابط بسیار نزدیکی دارند. برای تبیین چرایی روابط گسترده میان این دو کشور از چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی بهره گرفتیم. براساس این چارچوب نظری، موازنه دولت‌ها در برابر قدرت‌های تهدیدگر، قاعده اصلی رفتار آنها در سیاست خارجی‌شان است. افزون بر عنصر قدرت، همراه‌شدن مؤلفه‌های دیگری مانند همسایگی، قابلیت‌های تهاجمی و نیت‌ها در موازنه نقشی اساسی دارند. این عوامل، متغیرهای مستقلی هستند که تغییر در هر یک، دولت‌های دیگر را به احتمال زیاد دچار احساس تهدید می‌کند و آنان را به سوی به‌کارگیری اقدام‌های موازنه‌بخش پیش می‌برد. براساس این نظریه، دولت‌هایی که با یک تهدید یا تهدیدهای مشترک روبه‌رو هستند، با یکدیگر در مقابل آن متحد می‌شوند. بنابراین در مطالعه اتحادها باید به دنبال دشمنی مشترک گشت. با توجه به نظریه واقع‌گرایی تدافعی و

مفروض‌های آن می‌توان گفت که یکی از دلایل اصلی برقراری و گسترش رابطه بین ایران و ارمنستان، آنهم در چنین شرایطی، ناشی از احساس تهدیدی است که دو کشور از جمهوری آذربایجان دارند.

جمهوری آذربایجان بعد از تأسیس در سال ۱۹۹۱ تاکنون با هر دو کشور ایران و ارمنستان اختلاف‌های زیادی داشته است. با توجه به ماهیت و ایدئولوژی جمهوری آذربایجان که مبتنی بر ملی‌گرایی و زبان ترکی است و در راستای مقابله با ارمنستان به دنبال تقویت روحیه ملی‌گرایی مردم خود به تشدید مباحث قوم‌گرایی و آذربایجان واحد روی آورده و حتی ایلچی‌بیگ گفت که تمامیت ارضی ایران را به رسمیت نمی‌شناسد؛ به‌عنوان یک تهدید برای ایران تعریف شده است. از آنجا که این کشور هم‌زمان با ارمنستان نیز درگیر جنگ بود، این تهدید به‌عنوان یک تهدید مشترک برای دو کشور ظاهر شد. در گذر زمان با برقراری رابطه با اسرائیل (دشمن ایران) و اختلاف در بحث رژیم حقوقی دریای خزر، دولت‌مردان ایران از سوی این کشور احساس تهدید بیشتری کردند. ارمنستان نیز به‌واسطه رشد اقتصادی جمهوری آذربایجان که به آن امکان تجهیز ارتش و نیروهای نظامی خود را می‌دهد که نتیجه آن در درازمدت برتری جمهوری آذربایجان و بازپس‌گیری قره‌باغ از ارمنستان است؛ همچنان به جمهوری آذربایجان به‌عنوان تهدید می‌نگرند. در نگاه دو کشور ایران و ارمنستان، جمهوری آذربایجان و قدرت‌یابی آن یک تهدید مشترک است. این عوامل منجر شده‌اند که براساس نظریه واقع‌گرایی تدافعی دو کشور ایران و ارمنستان در برقراری موازنه در مقابل جمهوری آذربایجان تلاش کنند. از این‌رو و با درک مشترک ایران و ارمنستان از جمهوری آذربایجان به‌عنوان تهدید، شاهد نزدیکی روزافزون این دو کشور به یکدیگر هستیم. بنابر چارچوب نظری مطرح شده، دولت‌ها در برابر هر قدرتی موازنه ایجاد نمی‌کنند؛ بلکه موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آن‌ها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده باشد.

در این بین اضافه‌شدن مؤلفه‌های دیگری مانند همسایگی، قابلیت‌های تهاجمی و نیت‌ها در موازنه، نقشی اساسی دارند. این عوامل متغیرهای مستقلی‌اند که تغییر در هر یک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و به‌کارگیری اقدام‌های موازنه‌ای می‌کشاند. بر این اساس دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که بیشترین تهدید را ایجاد می‌کنند، متحد می‌شوند. همان‌گونه که در چارچوب نظری مطرح شد، موازنه دولت‌ها در برابر قدرت‌های تهدیدگر،

قاعده اصلی رفتار آنها در سیاست خارجی است و در مطالعه اتحادها باید به دنبال یک دشمن مشترک گشت. رشد اقتصادی جمهوری آذربایجان سبب نگرانی ایران و ارمنستان شده است و به همین دلیل ایران برای جلوگیری از سقوط سیاسی- اقتصادی ارمنستان به سرمایه‌گذاری در این کشور پرداخته است. ایران و ارمنستان برای همکاری با یکدیگر دلایل زیادی دارند. یک از دلایل آنها ترس از ترک‌گرایی در منطقه است. همچنین ایران و ارمنستان از قدرت‌یابی جمهوری آذربایجان که نتیجه آن بازپس‌گیری مناطق اشغال شده به وسیله ارمنستان خواهد بود نگران هستند؛ زیرا نتیجه آن فعالیت بیشتر برای تشکیل آذربایجان واحد است. ایران به دنبال ایجاد یک تعادل قدرت در منطقه قفقاز است.

منابع

الف) فارسی

۱. آذربایجان نیوز (۱۳۸۸)، <http://azarbayannews.blogfa.com/post-1044.aspx>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۸۸/۶/۱۷).
۲. آران نیوز (۱۳۹۱)، <http://www.arannews.ir/fa/news/23798.aspx>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۵/۱۸).
۳. احمدی، حسین (۱۳۹۱)، ضرورت برخورد عقلایی و توجه به اهرم فشار در روابط ایران با جمهوری آذربایجان، <http://www.iras.ir/vdcawenu.49nyu15kk4.html>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۳/۲۴).
۴. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، روابط ایران و جمهوری آذربایجان «نگاه آذری‌ها به ایران»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۹۱)، «فرصت‌ها و چالش‌های ایران در قفقاز»، <http://www.arannews.ir/fa/news/23705.aspx>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۵/۲۲).
۶. باقری، سعید (۱۳۸۹)، مجموعه اسناد سازمان ملل در رابطه با مناقشه قره‌باغ، تهران: اندیشه نو.
۷. بهشتی‌پور، حسین (۱۳۹۱)، «مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان»، <http://beheshtipour.blogfa.com/post-46.aspx>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۱/۵/۱۸).
۸. تقوی اصل، سیدعطا (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک جدید ایران، از قزاقستان تا گرجستان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. جوادی ارجمند، محمدجعفر و یزدان کیخسرو دولتیاری (۱۳۹۱)، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ارمنستان در چارچوب تئوری اندرسون و طرح یک همگرایی منطقه‌ای بعد از

- فرآیند عادی‌سازی روابط میان ارمنستان و ترکیه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره دوم، صص. ۲۲۳-۱۹۲.
۱۰. دولت (۱۳۹۲)، تأکید رئیس‌جمهور بر توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی میان ایران و ارمنستان، <http://dolat.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=12&Id=232305>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۸/۱۶).
۱۱. دیپلماسی ایرانی (۱۳۸۷)، اولویت سیاست خارجی ارمنستان؛ ایران یا آمریکا؟، <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1948>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸).
۱۲. دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۲)، اعتراض سفارت ایران به نشست تجزیه طلبان در باکو، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1914467/>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸).
۱۳. سقائیان، سید علی (۱۳۹۳)، تهران-باکو؛ از تهدیدات تا فرصت‌های مشترک، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1940860/>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸).
۱۴. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، صص ۷۵-۱۱۱.
۱۵. کولایی، الهه و قاسم اصولی (۱۳۹۱)، چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره ۱۰، صص. ۷۵-۹۴.
۱۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت. واحد مرکزی خبر (۱۳۹۳)، درگیری میان نیروهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان دو نظامی ارمنی کشته شدند، <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=۴۱۵۹۸۴>، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸).

ب) انگلیسی

1. **Azembassy** (2012), Azerbaijan-US Relations, Available at: <http://www.azembassy.us/2/23.html>, (Accessed on: 16/9/ 2012).
2. **Belfercenter** (2012), "Azerbaijan-Iran Relations: Challenges and Prospects (Event Summary)", Available at: http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/12750/azerbaijan_iran_relations.html. 2012-08-11, (Accessed :19/8/2012).
3. **Cagaptay, Soner and Alexandr Murinson** (2005), Good Relation between Azerbaijan and Israel: A Model for Other Muslim States in Eurasia?, The Washington Institute for Near East Policy, Available at: <http://www.washingtoninstitute.org/templateC05.php?CID=2287>., (Accessed on: 12/7/2012).
4. **Cornell, Svante E.** (2000), Small Nations and Great Powers: A Study of Ethno Political Conflict in the Caucasus Surrey: Rutledge Curzon, Available at: https://is.muni.cz/.../Small_Nations_and_Great_Powers__A_Study, (Accessed on: 12/7/2012).
5. **Cornell, Svante E.** (2006), "The Politicization of Islam in Azerbaijan", Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program -A Joint Transatlantic Research and Policy Center, pp. 35-50.
6. **CRIA** (2009), Israel and Azerbaijan: Baku's Balancing Act, Available at: <http://cria-online.org/CU-file-article-sid-21.html>., (Accessed on: 18/8/2012).
7. **Davtyan, Erik** (16 February 2015), "Iran and Armenia Expand Strategic Co-operation", Available at: <http://www.neweasterneurope.eu/articles-and-commentary/1492-iran-and-armenia-expand-strategic-co-operation>, (Accessed on: 28/7/2016).
8. **Europe Report** (2012), "Azerbaijan: Independent Islam and the State", No. 191, pp. 3-14.
9. **Foreign policy** (2012), Available at: <http://www.foreignpolicy.com/articles/2012>, (Accessed on: 12/10/2014).
10. **Frenkel, Sheera** (2012), Israel's New Ties to Azerbaijan Worry neighboring Iran, Available at: <http://www.thestate.com/2012/04/25/2250358/israels-new-ties-to-azerbaijan.html>., (Accessed on: 4/7/2012).
11. **Galstyan, Narek** (2013), "The Main Dimensions of Armenia's Foreign and Security Policy", Available at: http://www.peacebuilding.no/var/ezflow_site/storage/original/application/cd67865d0fcfef431b21f3e4bbe5e020.pdf, (Accessed on: 21/10/2013).
12. **Gilles, Riox** (2008), "The Formative Years of Azerbaijan Natationalism In Post-Revolutionary Iran", **Central Asian Survey**, Vol. 27, No. 1, pp.45-58.

13. Goble, Paul (2012), "Secular State is 'Azerbaijanis' Choice", Vol. 5, No. 10, Available at: <http://ada.edu.az/biweekly/issues/vol5no10/20120601083249769.html>, p.110, (Accessed: 11/7/2012)
14. Gresh, Geoffrey (2006), Coddling the Caucasus: Iran's Strategic Relationship with Azerbaijan and Armenia, **Caucasian Review of International Affairs**, Vol. 1(1), CRIA, No. 1, pp. 3-14.
15. **Gunaskam** (2012), "Human Rights Violations in South Azerbaijan", Available at: http://www.gunaskam.com/eng/index.php?option=com_cont, (Accessed on: 3/7/2012).
16. **Kayhan international** (1999), "South Azarbaijan Unrest: A Nationalist Feeding", Available at: www.rferl.org/content/article/1143277.html, (Accessed on: 11/7/2012).
17. Kitchen, Nicholas (2010), "Systemic Pressures and Domestic Ideas: a Neoclassical Realist Model of Grand Strategy Formation, **Review of international studies**, Vol. 36, No. 1, pp. 117-143.
18. Koolae, Elaheh and Mohammad Hossein Hafezian (2010), "The Islamic of Iran and the South Caucasus Republics", **Iranian Studies**, Vol. 43, No. 3. pp. 391 – 409.
19. Kotecha, Hema (2006), "Islamic and Ethnic Identities in Azerbaijan: Emerging trends and tensions", (OSEC) Office in Baku, Hema Kotecha Development Researcher – Anthropologist, Available at: <http://www.refworld.org/pdfid/49997ae42c.pdf>, (Accessed on: 7/9/2015).
20. Kouzegar Kaleji, Vali (2012), "Israel-Azerbaijan Relations: An Iranian Approach", Available at: http://www.iranreview.org/content/Documents/Israel_Azerbaijan_Relations_An_Iranian_Approach.htm, (Accessed on: 10/2/ 2015).
21. **Iranenergyproject** (2012), Available at: <http://www.iranenergyproject.org/2953/iran-to-supply-armenia-with-gasoline-diesel-oil>, (Accessed on: 23/8/2012).
22. Malekafzal, Farhad and Robert G. Moser (1992), "Pimodial, instrumental Identities An The Formation of Etnic Collective Movement: the case of azeri nationalism", **Canadian review studies in nationalism**, No. 8, pp. 1-2.
23. Mearsheimer, John, J. (2001), **the Tragedy of Great Power Politics**, New York: Norton.
24. Migdalovitz, Carol (2003), Armenia-Azerbaijan Conflict, CRS Issue Brief for Congress Received through the CRS Web, Updated August, Available at: <http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/crs/ib92109.pdf>, (Accessed on: 7/9/2015).

25. Mikhelidze, Nona (2010), "The Azerbaijan-Russia-Turkey Energy Triangle and its Impact on the Future of Nagorno-Karabakh", **DOCUMENTI IAI 10 (IAI Istituto Affari Internazionali)**. Available at: www.isn.ethz.ch/Digital-Library/Publications/Detail/?lang=en&id=124984, (Accessed on: 7/9/2015).
26. Mohammadi, Taher Shir (2012), "Azerbaijan Feels Badgered by its Islamic-led neighbor", Available At: <http://www.dw.de/dw/article/0,,16006008,00.html>, (Accessed on: 7/9/2012).
27. Murinson, Alexander (2010), "Iran Targets Azerbaijan, **BESA Center Perspectives Paper**, No. 110, Available at: <http://www.biu.ac.il/SOC/besa/perspectives110.html>, (Accessed on: 2/8/2012).
28. Nassibli, Nasib (2012), "Azerbaijan Iranian Relation: Past and Present", Journal of Azerbaijan Studies, p. 6, Available at: dspace.khazar.org/jspui/bitstream/123456789/.../N.%20Nasibli.pdf, (Accessed on: 28/8/2012).
29. **New York Times**, 16-17 June 1998.
30. Nuriyev, Elkhana (2012), "Azerbaijan: the Geopolitical Conundrum", Available at: <http://www.opendemocracy.net/od-russia/elkhana-nuriyev/azerbaijan-geopolitical-conundrum>, (Accessed on: 12/10/2012).
31. **PRESS TV** (2009), "Railway to Link Iran, Armenia to Black Sea", Available at: <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=90405§ionid=351020102>, (Accessed on: 17/8/2012).
32. **PRESS TV** (2012), Baku hub for Israelis Spying on Iran: Report, Available at: <http://presstv.com/detail/226350.html>, (Accessed on: 6/9/2013).
33. Rosenkvist, Morton Anstrop (2005), "Black Soil Oil and Ethnicity in the Nagorno-Karabakh Conflict", **Center Argentina de Estudios Internacionales**, Working Paper.
34. Sadeghzadeh, Kaweh (2008), "Iran's Strategy in the South Caucasus", **Caucasus Review of International Affairs**, Vol. 2 (1), No. , pp. 2-18.
35. Sandstrom, Emma (2005), Iran, Iraq, Turkey, Azerbaijan and Armenia a Security and Political Assessment, **Swedish Defiance Research Agency (FOI)**, pp. 48-61.
36. Segall, Michael (2013), Iran Fears Growing Israel- Azerbaijan Cooperation, **the Middle East**. Vol. 13, No. 12, pp. 18-32.
37. Soleymani, Afshar (2011), "What is the Significance of Azerbaijan for Israel?", Available at: <http://www.irdiplomacy.ir/en/news/68/bodyView/13568/Baku,.Tel.Aviv,.and.Iranian.Concerns.html>, (Accessed on: 16/7/2012).

38. Sosinsky-Semikhat, Yuri (2012), Azerbaijan and Israel Work against Iran, Available at: http://english.pravda.ru/hotspots/conflicts/10-05-2012/121072-azerbaijan_israel_iran-0/, (Accessed on: 11/9/2012).
39. **Tehran Times**, 14 April 2009.
40. **Today's Zaman** (2012), Lieberman Visits Azerbaijan on 20th Anniversary of Diplomatic Relations, Available at: http://www.todayszaman.com/newsDetail_getNewsById.action?load=detay&newsId=278381&link=278381, (Accessed on: 20/7/2014).
41. **UPI** (2011), Available at: http://www.upi.com/Business_News/Energy-Resources/2011/05/31/Armenia-Iran-deepen-energy-relations/UPI-47941306877124/, (Accessed on: 19/8/2012).
42. **USAK** (Uluslararası Stratejik Araştırmalar Kurumu) (2013), Relation Between Azerbaijan and Israeli, Available at: <http://www.usak.org.tr/EN/myazdir.asp?id=797>, (Accessed on: 17/7/2014).
43. Valiyev, Ali (2009), Brothers, Neighbors, Rivals, **TOL**, 17 March 2009; Available at: <http://www.tol.cz/look/TOL/article.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=4&NrIssue=313&NrSection=4&NrArticle=20457>, (Accessed on: 24/3/2011).
44. Varun, Vira and Erin Fitzgerald and Brandon Fite (2012), The United States and Iran: Competition involving Turkey and the South Caucasus, **Center for Strategic International Studies (CSIS)**.
45. Vatanka, Alex (2014), "Iran: Peacemaker in the Caucasus?", Available at: <http://nationalinterest.org/feature/iran-peacemaker-the-caucasus-11672>, (Accessed on: 16/11/2014).
46. Walt, Stephen M. (1985), Alliance Formation and the Balance of World Power, **International Security**, Vol. 9, No. 4, pp. 3-16.
47. Walt, Stephan (1987), **The Origins of Alliance**, Ithaca: Cornell University Press.
48. Walt, Stephen (1988), Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest, Asia, **International Organization**, Vol. 2, No. 42, pp. 140-157.
49. Yunus, Arif (2006), "Azerbaijan - Between America and Iran", **Russia in Global Affairs**, Vol. 4. No. 3, pp. 1-13.